

مدیریت سیاسی روستا و تحلیل مقایسه‌ای موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای بزرگ و کوچک مطالعه موردی: شهرستان دلفان

دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱۷ پذیرش نهایی: ۸۹/۷/۲۸

صفحات: ۵۱-۶۶

حسن کامران دستجردی: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

Email: amini13888@yahoo.com

فرشاد سوری: کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان^۱

Email: farshadssoory@yahoo.com

احمد تقدیسی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: a_taghdisi@ltr.ui.ac.ir

سلمان انصاری زاده: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

Email: s.ansarizadeh@gmail.com

چکیده

نظام مدیریت روستایی ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی مختلف، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است. در سال ۱۳۷۷ "قانون تاسیس دهیاری خودکفا" در روستاهای بالای ۲۰ خانوار به تصویب رسید، اما با افزایش درخواست‌ها این رقم به روستاهای بالای ۴۰۰ خانوار تغییر یافت. هدف این پژوهش که بصورت توصیفی-همبستگی و با روش پیمایشی انجام گرفته این است که، با بررسی تاریخچه سیاست تأسیس دهیاریها و همچنین تغییر مصوبات مربوط به تشکیل این نهاد در مناطق روستایی به پاسخ مشکلات موجود در این زمینه دست یابد. در این زمینه دو دسته از روستاهای بزرگ و کوچک برخوردار از دهیاری در شهرستان دلفان انتخاب شده‌اند ($n=346$) تا به ارزیابی عملکرد دهیاریها در رابطه با دو عامل ساختار تشکیلاتی و سیاست جمعیتی پرداخته شود. نتایج با تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار SPSS و آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و تحلیل واریانس نشان می‌دهد که دهیاری در روستاهای بزرگ به مراتب موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده و با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری‌ها در نظر

^۱ نویسنده مسئول: لرستان- کوه‌دشت- خ رجایی- پشت ارشاد اسلامی

گرفته شده است می‌توان دریافت که جمعیت ملاک تعیین کننده ای برای موفقیت دهیاری هاست. البته بیان این مسئله به معنای پذیرش جمعیت به عنوان یک ملاک کلی برای ارائه خدمات به دهیاری ها نمی‌باشد.

کلید واژگان: مدیریت روستایی، دهیاری، ساختار سازمانی، توفیق دهیاری، شهرستان دلفان.

مقدمه

موضوع مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یکصد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین معضلات و چالش‌های برنامه‌ریزان و متخصصین بوده است (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۷). در کشور ما به علت تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در مرکز، مدیریت‌های منطقه‌ای و محلی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند که این روند در روستاها با شدت بیشتری وجود دارد. از آنجا که اکثر این تصمیمات یا نادرست بوده یا در اجراء با مشکل مواجه شده، بالاخره دچار شکست شده‌اند. از اینرو مدیریت روستایی نیازمند مدیریتی کارآمد و آشنا با مسائل و مشکلات خاص هر منطقه است و این امر از عهده مدیریت‌های محلی و منطقه‌ای بر می‌آید (رضائیان، ۱۳۸۰: ص ۳-۴؛ ایمانی جاجرمی و فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ص ۲۹). از آنجا که ایجاد هر نهاد مدیریتی (دولتی یا غیردولتی) نیازمند وجود پیش‌زمینه‌ها و ساختارهای اداری و تشکیلاتی متناسب با آن نهاد است. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی و هدایت جامعه از طریق شکل دادن به این سازمان‌ها و نهاد هاست (رضوانی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۱). در ابتدای تأسیس دهیاری‌ها (سال ۱۳۸۲) و صدور مجوز برای تأسیس دهیاری در روستاها، تمامی روستاهای بالای ۲۰ خانوار (با اولویت مراکز دهستان‌ها، روستاهای دارای طرح هادی و بهسازی) می‌توانستند به شرط پرداخت خودیاری اهالی روستا و تأیید استانداری، مجوز تأسیس دهیاری را دریافت نمایند. با اعلام این شرایط سهل برای صدور مجوز تأسیس دهیاری و نیز به دلیل اعطای اعتباراتی که از محل قانون تجمیع عوارض به دهیاری‌ها صورت می‌گرفت، تقاضای تأسیس دهیاری رو به فزونی نهاد. به نحوی که در کمتر از ۱ سال و ۳ ماه، مجوز تأسیس بیش از ۱۲ هزار دهیاری از سوی وزارت کشور صادر گردید. با این شرایط، استدلال شد که طی دو مرحله ملاک جمعیتی برای صدور مجوز تأسیس دهیاری تغییر کرد از اینرو ابتدا، از روستاهای بیش از ۲۰ خانوار به روستاهای

بیش از صد خانوار و سپس به روستاهای بالای ۴۰۰ خانوار تغییر یافت. تا پایان سال ۱۳۸۷ تعداد ۱۵۲۹۱ مجوز تأسیس دهیاری صادر شده است (بدری، نعمتی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۳). که از این تعداد بیش از ۱۲ هزار دهیاری راه‌اندازی شده و فعال هستند. بسیاری از روستاهای کوچک و کم جمعیت دارای قابلیت‌های ویژه‌ای از نظر وجود سرمایه‌های اجتماعی بوده و به صورت بالقوه قابلیت تبدیل به روستاهای مرکزی را دارند. این موضوع می‌تواند تا حدودی راهگشای مسئله تأسیس دهیاری در روستاهای دارای جمعیت کمتر از ۱۰۰ خانوار باشد. بنابراین تأسیس دهیاری به عنوان نهادی مدیریتی، در تمامی روستاهای کشور با سئوالات اساسی روبروست. از اینرو تحقیق حاضر که در شهرستان دلفان استان لرستان انجام گرفته است درصدد است تا ضمن ارزیابی تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک، موانع و مشکلات خدمات رسانی به این روستاها را مورد بررسی قرار داده و جمعیت را به عنوان ملاکی جهت تأسیس دهیاری‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. با توجه به اهداف پیش‌رو، مسأله پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که وجود پیش‌زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی عامل مهمی در توفیق دهیاری‌های ایجاد شده در روستاهای کوچک شهرستان دلفان هستند؟

مبانی نظری

فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل در یک سازمان به منظور دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده را مدیریت می‌گویند. بدیهی است که در این بین هماهنگی و اجراء ضمن مستتر بودن در عوامل چهارگانه فوق از اهمیت زیادی برخوردار است (ولی زاده ۱۳۷۵: ص ۷۷؛ کوهستانی و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۰). آنچه از مفهوم مدیریت روستا به عنوان یک واحد سکونتگاهی به ذهن متبادر می‌شود ممکن است چندان قرابتی با نظریات رایج در باب مدیریت نداشته باشد. بنابراین هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می‌آید ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده نباشد. به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین کننده است (بدری، نعمتی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۴).

مدیریت روستایی به معنی برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدامات توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده است (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۸۳). به طوری که فرایند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت کند که در سطح متعارف جامعه، زمینه و محیط مناسبی را برای زندگی راحت‌تر و کارآمدتر روستاییان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی

فراهم شود. در قالب این تعریف کلی می‌توان اهداف خرد زیر را برای مدیریت روستایی در نظر گرفت:

- ۱- نوسازی و بهسازی محیط فیزیکی روستایی؛
 - ۲- هدایت و نظارت بر فرآیند عمران روستایی؛
 - ۳- ارتقای شرایط کار و زندگی (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ص ۱۵)
- بنابراین هدف کلان مدیریت روستایی، حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستا، هم سو با بهبود وضعیت جامعه روستایی است (طالب، ۱۳۷۶: ص ۶). بطور کلی مدیریت روستایی، علم «تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی، و ... در جامعه روستایی» است (طالب، ۱۳۷۷: ص ۵).

ارزیابی عملکرد در توسعه روستایی

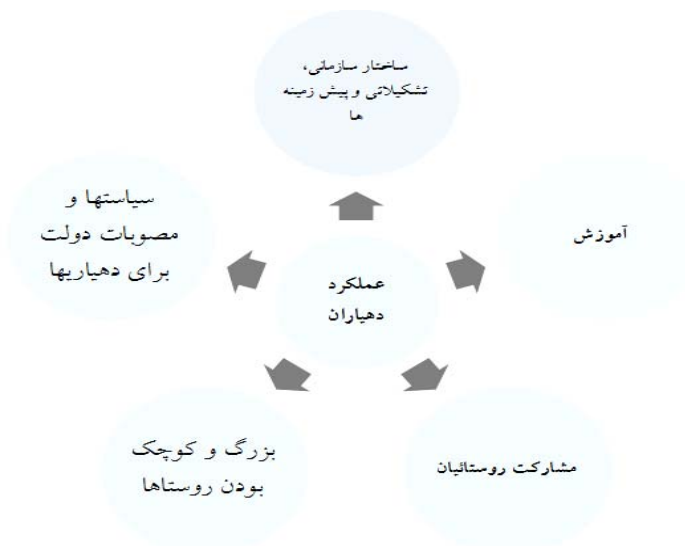
بعضی صاحب‌نظران بر این باورند، ارزیابی فرایند پیچیده‌ای است که به جستجوی عوامل مربوط به عملکردها و اثر بخشی یک طرح یا پروژه می‌پردازد تا انجام پذیری آن را تشخیص دهد و راه حلی برای مشکلات اجرائی آن بیابد و پروژه‌ها و طرح‌های مفیدتری را برای آینده طراحی کند (کیاکجوری، ۱۳۶۶: ۶۷؛ نوری، ۱۳۸۰: ۸۶). نظام ارزیابی عملکرد را می‌توان از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار داد. دو دیدگاه سنتی و نوین در خصوص ارزیابی عملکرد وجود دارد. در نگرش سنتی مهمترین هدف ارزیابی قضاوت و یادآوری عملکرد بوده در حالیکه در نگرش نوین، فلسفه وجودی ارزیابی بر رشد، توسعه، بهبود ظرفیت ارزیابی شونده متمرکز می‌باشد (Beach, D.S;1985: p 221-223). برخی از اهداف ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها به شرح ذیل قابل تبیین است:

- ۱- انجام بررسی‌های مداوم به منظور استفاده از نتایج حاصله برای جهت بخشیدن به فعالیت‌های آتی؛
- ۲- کمک در تعیین درجه و اندازه شاخصی که نشان دهد برنامه اجرا شده تا چه حدودی به هدف‌های اختصاصی دست پیدا کرده است؛
- ۳- کمک به تعیین و تدوین آمار و ارقام در مورد محل ارزشیابی که لازمه کار در برنامه ریزی بعدی است؛
- ۹- کمک به اتخاذ تصمیم در مورد ادامه، توسعه و یا توقف برنامه؛
- ۱۰- سنجش و تشخیص میزان پیشرفت کار (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۸: ص ۷-۶).

مدیریت سیاسی روستا و ارزیابی عملکرد دهیارها

با تصویب قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور، در یک ماده و سه تبصره این مقررات در کنار قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، زمینه‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری و تحقق نهاد جدید مهمی در جامعه روستایی کشور تکمیل شد. تشکیل شوراهای اسلامی در نواحی روستایی، اقدامی بسیار موثر در فرایند مردم‌سالاری و مشارکت مردم در سرنوشت خویش محسوب می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۳: ص ۲۲۲). این رویکرد منشعب از اصول اساسی در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در اصل ۴۴ قانون اساسی است. در ابتدای تأسیس دهیاری‌ها و صدور مجوز برای تأسیس دهیاری در روستاهای بالای ۲۰ خانوار، تقاضای تأسیس دهیاری رو به فزونی نهاد. به نحوی که در کمتر از ۱ سال مجوز تأسیس بیش از ۱۲ هزار دهیاری از سوی وزارت کشور صادر گردید. اما طی دو مرحله ملاک جمعیتی برای صدور مجوز تأسیس دهیاری تغییر کرد و ابتدا از روستاهای بیش از ۲۰ خانوار به روستاهای بیش از صد خانوار و سپس به روستاهای بالای ۴۰۰ خانوار تغییر یافت. در این ارتباط چند مسئله اصلی مطرح است: نخست آنکه اصولاً برنامه‌ریزی روستایی به طیف خاصی از روستاها نظر ندارد و بر لزوم برنامه‌ریزی برای تمامی روستاها تأکید می‌کند. بنابراین لازم است به نحوی عمل شود که تمامی روستاییان از خدمات ارائه شده توسط مدیریت روستایی (دهیاری‌ها) بهره‌مند شوند. نکته دیگر آن است که بسیاری از روستاهای کوچک که به دلیل عوامل اقتصادی و جغرافیایی در سطح کشور پراکنده‌اند، از نظر امنیت ملی نقاط استراتژیکی محسوب می‌شوند و به رغم داشتن جمعیت کم، در صورت خالی شدن از جمعیت، تبعات و مشکلات خاصی را بوجود خواهند آورد. ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها ایجاد شده در روستاهای کوچک می‌تواند راهگشای مشکلات موجود در زمینه ایجاد دهیاری در این نهادها باشد (بدری، نعمتی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۶). موضوع مهم دیگری که در همین ارتباط مطرح است، محدودیت‌های ساختار اجرایی و تشکیلاتی مرتبط با دهیاری‌هاست که اجازه تأسیس دهیاری در تمامی روستاهای کشور را نمی‌دهد. این محدودیت‌ها هم شامل مشکلات اقتصادی و مالی است و هم محدودیت‌های اداری و تشکیلاتی. موضوع دیگر آن است که آیا اساساً جمعیت ملاک مناسبی برای ارائه خدمات در قالب مدیریت روستایی (دهیاری) به روستاست. اصولاً روستاهای کشور بدلیل شرایط متنوع جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی دارای تفاوت‌های بسیاری از نظر کارکردی، اقتصادی و فرهنگی و کالبدی می‌باشند. بنابراین نمی‌توان ملاک واحدی را برای تمام سکونتگاه‌های روستایی کشور در نظر گرفت. در این ارتباط لازم است به پتانسیل‌های موجود در هر روستا توجه شود (معاونت امور

دهیارها، ۱۳۸۳: ص ۹-۱۲). از اینرو، ضروری است عملکرد دهیاران در توسعه و مدیریت روستایی مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه مناسبی برای افزایش توانمندیها و رفع کاستی‌های آنها فراهم شود (سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، ۱۳۸۸).



شکل شماره ۱- مدل تحلیلی تحقیق مأخذ: نگارندگان

مواد، روش ها و جامعه مورد مطالعه

روش شناسی: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- همبستگی و کاربردی است که به روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش پس از مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری ادبیات و پیشینه پژوهش، پرسشنامه می‌باشد. به علت ضرورت و نیاز تحقیق و همچنین جهت آزمون فرضیه تحقیق جامعه آماری شامل چهار دسته (خانوار، دهیاران، رئیس شورای اسلامی روستا و بخشدار) می‌باشند که در این راستا چهار نوع پرسشنامه نیز برای آنان

تنظیم شد. همه پرسشنامه‌ها (به جز پرسشنامه خانوار) به صورت تمام شماری انجام شده و خانوارها نیز بر اساس اطلاعات دریافتی از شورای اسلامی به تفکیک وضعیت اقتصادی (نسبتا مرفه، متوسط، ضعیف) انتخاب شده‌اند. جامعه نمونه از میان ۴۶ روستای دارای دهیاری فعال براساس فرمول کوکران ۳۴۶ مورد انتخاب شده است. این پژوهش در بازه زمانی انجام پژوهش (آبان ماه ۱۳۸۹) و در بعد مکانی روستاهای دارای دهیاری شهرستان دلفان تهیه شده است. تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها بوسیله نرم افزار SPSS و آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و تحلیل واریانس صورت گرفته است. نتایج با جدول و نمودار نمایش داده شده است.

متغیرها و شاخص‌های تحقیق: در تحقیق حاضر جهت ارزیابی عملکرد دهیاریها (میزان توفیق) از چند متغیر مرتبط از جمله: ساختار سازمانی و تشکیلاتی، حمایت و پشتیبانی مالی و اداری دولت، آموزش عمومی و تخصصی برای روستاییان و دهیاران، مشارکت اجتماعی مردم در حل مشکلات، بزرگ و کوچک بودن روستاها و سیاستهای مصوب دولت در مورد نهاد دهیاری. همچنین در این تحقیق روستاهای بزرگ بعنوان شاهد در نظر گرفته شده‌اند تا رابطه بین میزان توفیق دهیاریها و اندازه روستا، برای روستاهای کوچک بهتر مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. به این صورت که با لحاظ کردن هریک از شاخص‌های مطرح شده برای هر دو دسته روستاهای بزرگ و کوچک و سنجش و ارزیابی عملکرد هر دو دسته از دهیاران (همانطوری که در قسمت روش‌شناسی ذکر شد با تکمیل پرسشنامه توسط سرپرستان خانوار، بخشدار و شورای اسلامی) به مقایسه میزان توفیق دهیاریها پرداخته می‌شود و رابطه بین شاخص‌ها و متغیر اصلی عملکرد دهیاری در روستاهای کوچک مشخص می‌شود.

فرضیات تحقیق

فرضیه اول: وجود پیش زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی (پشتیبانی مالی و اداری) عامل مهمی در توفیق دهیاری‌های ایجاد شده در روستاهای کوچک شهرستان دلفان می‌باشد.

فرضیه دوم: بین تعداد جمعیت (بعنوان عامل تشکیل دهیاری) و میزان موفقیت دهیاری‌ها رابطه معناداری وجود.

جامعه مورد مطالعه: شهرستان دلفان یکی از شهرستانهای استان لرستان است که به لحاظ جغرافیایی در قسمت شمال این استان و جنوب شرقی استان کرمانشاه قرار دارد. جمعیت این

شهرستان بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۸۷ برابر با ۱۳۷۶۳۳ نفر و تعداد ۲۹۲۸۵ خانوار می‌باشد، که از این مقدار ۸۱۰۳۹ نفر جمعیت و ۱۷۰۳۹ خانوار در نقاط روستایی ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷: ص ۹۱-۹۰).

یافته های تحقیق

به منظور آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن استفاده شده است. ضریب فوق برای ارتباط بین متغیر ساختار و توفیق دهیاری (کارکرد دهیاری) و همچنین بین زیر مولفه های متغیر ساختار (آموزش، حمایت های دولتی و عملکرد مسئولین) به طور جداگانه محاسبه شد. به منظور آزمون معنا دار بودن این همبستگی در جامعه دو فرضیه مطرح شده را بطور جداگانه مورد آزمون و ارزیابی قرار می دهیم.

مطابق خروجی SPSS اعداد ضریب همبستگی و سطح معنی داری، هر کدام که بیانگر تعمیم پذیری به جامعه است (در صورتی که سطح معناداری (sig) کوچکتر از ۰/۰۵ باشد H_0 رد می شود و این به معنای این است که در سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت در جامعه رابطه معناداری بین عوامل مورد آزمون وجود دارد) نشان داده شده است (جدول ۱).

ملاحظه می گردد ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر ساختار و توفیق (در روستاهای کوچک) برابر است با ۰/۱۰۸ و این عدد در سطح ۹۵٪ اطمینان در جامعه نیز صادق است. چرا که (sig= ۰/۰۱۱) در سطح خطای مجاز ۰/۰۵ معنادار می باشد. به عبارت دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که پیش زمینه ها و ساختار های مناسب اداری و تشکیلاتی (پشتیبانی مالی و اداری) در توفیق دهیاری در روستاهای ایجاد شده موثر است. همچنین هر کدام از عوامل زیر مجموعه ساختار (آموزش، حمایت های دولتی، عملکرد مسئولین) نیز رابطه معناداری با توفیق دهیاری ها داشته اند. همانگونه که ملاحظه می شود از بین عوامل فوق، آموزش با ضریب ۱/۰۰۰ بالاترین درجه همبستگی را با توفیق دهیاری ها داشته است. در واقع با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که فرضیه تایید شده است.

در این پژوهش روستاهای بزرگ به عنوان شاهد در نظر گرفته شده اند. ارزیابی رابطه میزان توفیق دهیاری در روستاهای بزرگ و عوامل ساختاری می تواند دقت تحلیل پیش گفته را در مورد روستاهای کوچک افزایش دهد.

جدول شماره (۱) ضریب همبستگی بین ساختار و توفیق در روستاهای کوچک

عامل	آماره	ساختار	توفیق دهیاری	عملکرد مسئولین	آموزش	حمایت دولتی
ساختار	ضریب همبستگی	۱	۰/۱۰۸*	۰/۹۶**	۰/۷۴۸**	۰/۶۳۸**
	سطح معناداری	۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
توفیق دهیاری	ضریب همبستگی	۰/۱۰۷*	۱	۰/۱۳۲*	۰/۳۴۴*	۰/۰۸۶*
	سطح معناداری	۰/۰۱۷	۰	۰/۰۴۲	۰/۰۴۶	۰/۰۲۸
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
عملکرد مسئولین	ضریب همبستگی	۰/۹۶۰**	۰/۱۳۲*	۱	-۰/۰۶۳	۰/۲۵۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۴۲	۰	۰/۷۲۴	۰/۱۵۰
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
آموزش	ضریب همبستگی	-۰/۷۴۸**	۰/۳۴۴*	-۰/۰۶۳	۱	۰/۳۰۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶	۰/۷۲۴	۰	۰/۰۸۳
	N	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
حمایت دولتی	ضریب همبستگی	۰/۶۳۸**	۰/۰۸۶*	۰/۲۵۲	۰/۳۰۱	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۱۵۰	۰/۰۸۳	۰
	N	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶

** همبستگی قابل توجه در سطح ۰/۰۱ (2-tailed).

* همبستگی قابل توجه در سطح ۰/۰۵ (2-tailed).

جدول شماره (۲) ضریب همبستگی بین ساختار و توفیق درروستاهای بزرگ

عامل	آماره	ساختار	توفیق دهیاری	عملکرد مسئولین	آموزش	حمایت دولتی
ساختار	ضریب همبستگی	۱	۰/۱۶۹*	۰/۹۶۰**	۰/۷۴۹**	۰/۶۳۸**
	سطح معناداری	۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
توفیق دهیاری	ضریب همبستگی	۰/۱۴۴*	۱	۰/۱۰۳*	۰/۲۷۵*	۰/۰۹۵*
	سطح معناداری	۰/۰۰۵	۰	۰/۴۸	۰/۰۴۹	۰/۰۲۵
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
عملکرد مسئولین	ضریب همبستگی	۰/۹۶۰**	۰/۱۰۳	۱	-۰/۰۶۳	۰/۲۵۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۴۸	۰	۰/۷۲۴	۰/۰۱۵۰
	N	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۴۶	۴۶
آموزش	ضریب همبستگی	۰/۷۴۹**	-۰/۲۷۵*	-۰/۰۶۳	۱	۰/۳۰۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۷۲۴	۰	۰/۰۸۳
	N	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
حمایت دولتی	ضریب همبستگی	۰/۶۳۸**	۰/۰۹۵*	۰/۲۵۲	۰/۳۰۱	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۵	۰/۰۱۵۰	۰/۰۸۳	۰
	N	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶

** همبستگی قابل توجه در سطح ۰/۰۱ (2-tailed).

* همبستگی قابل توجه در سطح ۰/۰۵ (2-tailed).

ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو عامل ساختار و توفیق (دروستاهای بزرگ) برابر با ۰/۱۶۹ است (برای روستاهای بزرگ $\text{sing} = 0/169$) در سطح خطای مجاز ۰/۰۵ معنادار می‌باشد) که به این ترتیب می‌توان با ۹۵٪ اطمینان گفت که پیش‌زمینه‌ها و ساختارهای اداری و تشکیلاتی در موفقیت دهیاری در روستاهای بزرگ نقش دارد. در کل می‌توان این گونه نتیجه گرفت که وجود پیش‌زمینه‌ها و ساختارهای اداری و تشکیلاتی مناسب عامل مهمی در موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای بزرگ و کوچک است.

آزمون فرضیه دوم: در دنباله بحث نتایج حاصله از پرسشنامه‌های چهارگانه در مورد کارکرد دهیاران در روستاهای بزرگ و کوچک مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا جواب فرضیه دوم پژوهش روشن شود. لازم به یادآوری است که مولفه تعداد خانوار ساکن در واقع همان اندازه روستا است که بر مبنای تعداد خانوار ساکن به دو دسته روستاهای بزرگ و روستاهای کوچک تقسیم شده است. منظور از کارکرد دهیاری نیز در واقع توفیق دهیاریها بوده است که ملاک ارزیابی آن عمل به وظایف دهیاری است. قبل از آزمون این فرضیه لازم است فراوانی پاسخ‌ها به میزان توفیق دهیاری‌ها ارایه شود.

جدول شماره (۳) فراوانی پاسخ‌ها به میزان توفیق دهیاری‌ها در روستاهای بزرگ و کوچک

نوع روستا	میزان توفیق	خانوار	شورا	بخشدار	جمع
کوچک	کم	۷۵	۱۵	۲	۳۱
	تا حدودی	۱۱	۲	۱	۱۱
	زیاد	۲۳	۸	۰	۹۰
	جمع	۱۱۵	۲۳	۰	۱۳۸
بزرگ	کم	۲۷	۵	۰	۳۲
	تا حدودی	۷	۱	۲	۱۰
	زیاد	۸۰	۱۷	۹	۱۰۹
	جمع	۱۱۵	۲۵	۱۴	۱۵۴

همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، در هر چهار نوع پرسشنامه بیشترین پاسخ‌های مثبت متعلق به روستاهای بزرگ است. به عبارتی از نظر اکثر بخشداران، خانوارها و اعضای شوراهای اسلامی، دهیاری در روستاهای بزرگ موفق‌تر عمل کرده است. در این فرضیه در واقع هدف سنجش برابری میزان توفیق دهیاری‌ها در دو دسته روستاهای مذکور می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان از آزمون برابری میانگین‌ها استفاده نمود. برای آنکه بتوان برابری یا عدم برابری

توفیق دهیاری را در روستاهای بزرگ و کوچک ارزیابی کرد، توفیق یا عدم توفیق به صورت طیف ارایه می‌گردد. به منظور آزمون فوق باید ابتدا آزمون برابری واریانس های دو محاسبه را انجام داد:

بر مبنای فرضیه آماری فوق، سطح معناداری نتیجه شده (ستون دوم جدول) برابر با $0/001$ است که نشانگر آن است که در سطح معناداری 95% نمی‌توان برابری واریانس ($sig=0/010$) می‌باشد. بنابراین با 95% اطمینان می‌توان H_0 را رد کرد. به عبارت دیگر با 95% درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توفیق دهیاری‌ها در روستاهای کوچک و بزرگ با هم اختلاف معنا داری دارند. با مراجعه به مقدار میانگین مذکور ملاحظه می‌گردد که با کاهش تعداد جمعیت، از میزان توفیق دهیاری کاسته شده و عدم موفقیت محتمل‌تر می‌شود. به عبارت دیگر دهیاری در روستاهای بزرگ امکان موفقیت بیشتری داشته است.

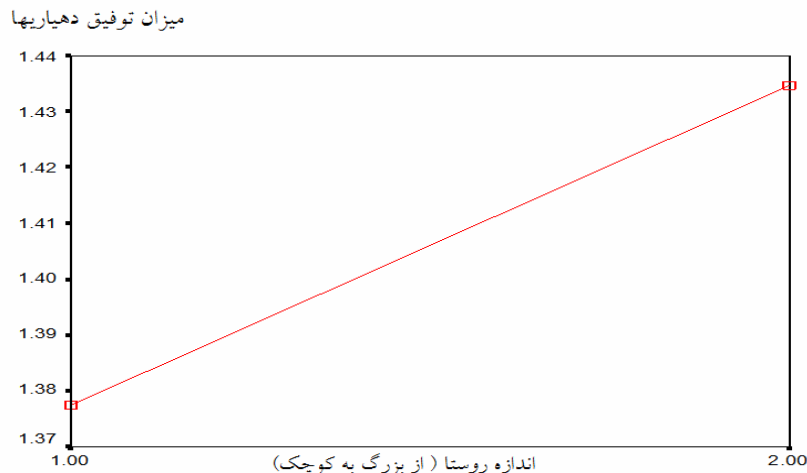
نتایج جدول (۴) برابری و عدم برابری توفیق دهیاریها در دو جامعه روستایی بزرگ و کوچک را نشان می‌دهد. برای رسیدن به پاسخ در این قسمت از آزمون F و تبیین واریانس استفاده شده است. مقدار F محاسبه شده برای برابری توفیق دهیاریها در دو جامعه $10/441$ را نشان می‌دهد که این مقدار در سطح معناداری $0/001$ است. بنابراین با 95% اطمینان می‌توان پذیرفت که با کاهش اندازه روستا از میزان توفیق دهیاریها کاسته می‌شود.

جدول شماره (۴) رگرسیون خطی جهت برابری و نابرابری توفیق دهیاریها در روستاهای بزرگ و کوچک

آزمون T-TEST جهت تبیین میانگین‌ها				آزمون F جهت تبیین و تصدیق واریانس			
مقدار خطا	مقدار پراکندگی	سطح معناداری	درجه آزادی	T مقدار	معناداری	F مقدار	
0/0240	-0/0467	0/010	161	-3/432	0/001	10/441	برابری توفیق دهیاری در دو جامعه
0/0217	-0/0481	0/009	149	-2/855	---	---	عدم برابری توفیق دهیاری در دو جامعه

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که هر چه از روستاهای کوچک به سمت روستاهای بزرگ حرکت می‌کنیم از میزان توفیق دهیاریها کاسته می‌شود. بر این اساس از عدد ۱ (توفیق کامل دهیاری) به سمت عدد ۲ (عدم توفیق دهیاری) از میزان موفقیت دهیاریها کاسته می‌شود. بنابر

آنچه گفته شد روند نزولی کاهش توفیق دهیاریها از روستاهای بزرگ به طرف روستاهای کوچک در نمودار به نمایش گذاشت (شکل ۲).



شکل (۱) نمودار رابطه توفیق دهیاری‌ها و اندازه بزرگی و کوچکی روستاها

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر هدف، بررسی سیاستهایی بود که دولت در مورد ایجاد دهیاری در روستاها اتخاذ کرده بود و به همین دلیل از آن با عنوان مدیریت سیاسی روستا عنوان شده است. در این پژوهش که به تحلیل موفقیت و ارزیابی عملکرد دهیاران در روستاهای کوچک پرداخته شد؛ روستاهای بزرگ به عنوان شاهد مورد آزمون قرار گرفته شدند تا با مقایسه نتایج حاصل از عملکرد دهیاریها در هر دو دسته از روستاهای بزرگ و کوچک، به تحلیل سیاستهای روستایی دولت در مورد دهیاریها پرداخته شود. پژوهش دارای دو فرضیه می‌باشد، همانگونه که روشن است هر دو فرضیه، پس از آزمون مورد تایید قرار گرفته و پذیرفته شدند. در فرضیه اول رابطه بین ساختار سازمانی و تشکیلات زیربنایی دهیاری با میزان توفیق دهیاریها در اداره امور روستا می‌باشد. نتایج تحلیل این فرضیه با آزمون همبستگی نشان می‌دهد که، پیش زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی اعم از پشتیبانی مالی و پشتیبانی اداری به هر نحو، در توفیق دهیاریها و اداره امور روستاها موثر می‌باشد. نتیجه نهایی آزمون این فرضیه بیانگر این نکته است که بین ساختار سازمانی مفید و قوی با بزرگی و کوچکی روستا دارای رابطه‌ای قوی

می‌باشد. فرضیه دوم به این صورت است که بین تعداد جمعیت بعنوان عامل تأسیس دهیاری و میزان موفقیت دهیاری‌ها رابطه معناداری وجود دارد. در پاسخ به این فرضیه ابتدا در جدولی مجزا (۳) فراوانی پاسخ‌ها به میزان توفیق دهیاری‌ها در هر دو دسته روستاهای بزرگ و کوچک بر اساس نتایج هر چهار دسته پرسشنامه تحقیق نشان داده شد که مشخص شد بیشترین پاسخ‌های مثبت متعلق به روستاهای بزرگ می‌باشد. به عبارت دیگر از نظر اکثر آزمودنیها که شامل بخشداران، خانوارها و اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران می‌باشد، دهیاریها در روستاهای بزرگ موفق‌تر از همتای آنها در روستاهای کوچک عمل کرده است. در ادامه برای آنکه بتوان برابری یا عدم برابری توفیق دهیاری را در روستاهای بزرگ و کوچک مورد ارزیابی قرار داد به آزمون برابری واریانس‌ها پرداخته شد (جدول ۴). نتایج نشان می‌دهد که هر چه از روستاهای کوچک به سمت روستاهای بزرگ حرکت می‌کنیم از میزان توفیق دهیاری‌ها با توجه موارد ذکر شده کاسته می‌شود (نمودار ۱). با توجه به نتایج فرضیات می‌توان اینگونه پنداشت که موفقیت و یا عدم موفقیت این نهاد تا حدود زیادی بستگی به وجود یا عدم وجود پیش‌زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی دارد. همانگونه که در این پژوهش نیز مشاهده شد، میان پیش‌زمینه‌ها و حمایت‌های دولتی و موفقیت دهیاری‌ها رابطه معناداری وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که در صورت وجود ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی میزان موفقیت دهیاری‌ها بیشتر خواهد بود. در روستاهای نمونه این پژوهش حمایت‌های دولتی از طریق کمک‌های مالی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و نیز پشتیبانی‌های اداری و تشکیلاتی موجب ایجاد شرایطی برای بهبود رویکرد موفقیت دهیاری‌ها شده است. نکته مهم در این ارتباط آن است که این‌گونه تسهیلات عمدتاً برای روستاهای بزرگ آرایه می‌شود. زیرا یکی از ملاک‌های اصلی برای درجه‌بندی دهیاری‌ها و تخصیص اعتبارات میزان جمعیت دهیاری است. به همین دلیل روستاهای کوچک ممکن است با شرایط دشواری روبرو شوند، چرا که با کاهش حمایت‌های دولتی سطح مشارکت‌های مردمی نیز پایین آمده و شرایط برای فعالیت دهیاری‌ها دشوار می‌شود. با نگرشی دیگر می‌توان نتیجه گرفت که حمایت‌های دولتی و موفقیت دهیاری‌ها رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، به نحوی که هر چه این حمایت‌ها بیشتر باشد میزان توفیق دهیاری‌ها نیز بیشتر است.

نتایج ارزیابی‌های این پژوهش در مورد دهیاریهای شهرستان دلفان استان لرستان، حاکی از آن است که دهیاری در روستاهای بزرگ به مراتب موفق‌تر از دهیاری در روستاهای کوچک عمل کرده است. با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری‌ها در نظر گرفته

شده است می‌توان دریافت که جمعیت ملاک تعیین کننده ای برای موفقیت دهیاری هاست. البته بیان این مسئله به معنای پذیرش جمعیت به عنوان یک ملاک کلی برای ارایه خدمات به دهیاری‌ها نیست. یعنی در وضعیت عادی همه روستاها باید از شرایط مناسب برای دریافت خدمات برخوردارباشند. بنابراین در شرایط کنونی و باتوجه به آنکه جمعیت ملاک تعیین کننده- ای برای اعطای تسهیلات به دهیاری هاست (این تسهیلات هم شامل اعتبارات و تسهیلات مالی است و هم ارایه آموزش‌ها و خدمات پشتیبانی است)، می‌توان نتیجه گرفت که دهیاری در روستاهای بزرگ موفق تر عمل کرده است.

منابع و ماخذ

۱. ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تاکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، زمستان ۸۶
۲. بدری، سیدعلی، نعمتی، مرتضی (۱۳۸۶)، ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاریهای فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مورد گلستان، نشریه پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۹.
۳. دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۴) جایگاه مدیریت روستایی در برنامه چهارم، مجله دهیاری، شماره ۱۵
۴. رضائیان، علی (۱۳۸۰)، مبانی سازمان مدیریت، انتشارات سمت.
۵. رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس.
۶. طالب، مهدی (۱۳۷۶) مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. طالب، مهدی (۱۳۷۷)، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. قدیری معصوم، مجتبی، ریاحی، وحید (۱۳۸۳) بررسی محورها و چالش های مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۰.

۹. کوهستانی، حسینعلی و همکاران (۱۳۷۹) انسان در مدیریت، انتشارات شیوه.
۱۰. کیاکجوری، سعید (۱۳۶۶) نظارت و ارزشیابی توسعه روستایی-تجربه های از آسیا، مرکز امور توسعه آسیا و حوزه اقیانوس آرام، وزارت برنامه و بودجه.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) سالنامه آماری استان لرستان.
۱۲. معاونت امور دهیاریها (دفتر طرح و برنامه) (۱۳۸۳) مجموعه قوانین و مقررات دهیاریها چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
۱۳. موسسه گیتاشناسی (۱۳۸۷) اطلس جامع ایران، تهران، انتشارات گیتا شناسی.
۱۴. نعمتی، مرتضی (۱۳۸۴) شورا-دهیاری، راهبردی اصلاح طلبانه، ماهنامه دهیاریها، شماره ۱۴ صص ۱۶-۱۴.
۱۵. وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۸) مدیریت روستایی در ایران از دهیاری تا کدخدایی، مجله جهاد، شماره ۲۶۳.
۱۶. نوری، مرضیه (۱۳۸۰) ارزیابی عملکرد مجتمع های خدماتی بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. ولی زاده، ابوالفضل (۱۳۷۵) مدیریت و توسعه، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره های ۷۳ و ۷۴.

Beach, D., (1995) *personnel: The management of people at work*. 5th ed, new York: Macmillan publishing company.

Holand, J., Burian, M., and dixey, B., (2003) *Tourism in poor rural areas, diversifying the product and expanding the benefits in Rural*. Express. Paper no12

Lowe, R., et al (1999) *Participation in rural Development*. Center for rural economy.